

۱۴۱۸۷۲۶
۹۵, ۸, ۲۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آخرین سخنرانی

رندی پوئن / نفیسه معتکف

www.ketab.ir

پوش رندی، Randy Pausch،
آخرین سخنرانی / رندی پوش: نفیسه معتکف.

تهران: نسل نو اندیش، ۱۳۹۵

۳۲۰ ص

۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۷۷۷-۱

فیبا

عنوان اصلی: The last lecture, 2008

کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت ترجمه و منتشر شده است.

دانشمندان علوم کامپیوتر - ایالات متحده - سرگذشتنامه - Computer scientists

United States - Biography

سلطان - ایالات متحده - بیماران - سرگذشتنامه

Cancer - Patients - United States - Biolog

مرگ - جنبه‌های روان‌شناسی Death - Psychological aspects

معتکف، نفیسه، ۱۳۳۵ - مترجم

۱۳۹۵ ۳/۹ پ ۷۶/۲ QA

۴/۰۹۲

۲۷۹۳۷۱

نام کتاب: آخرین سخنرانی

نویسنده: رندی پوش

مترجم: نفیسه معتکف

ویراستار: حمید رستمی

صفحه‌آرا: روانه نصراله‌بی

ناشر: نسل نو اندیش

نوبت چاپ: دوم (اول ناشر)

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

سال چاپ: ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۷۷۷-۱

ISBN: 978-964-236-777-1

کتاب‌های مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نو اندیش تهیه فرمایید.

نشانی فروشگاه: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۰۸

WWW.naslenowandish.com

info@naslenowandish.com

ایمیل مترجم: nafisehmotakef@yahoo.com

سایت مترجم: www.nmotakef.com

«فهرست مطالب»

مقدمه:	۵
راجع به نویسنده:	۸
۱ - شیر مجروح هنوز هم می خواهد نعره بزند	۹
۲ - زندگی با لپ تاپ	۲۱
۳ - فیلی در اتاق	۲۷
دستیابی به رؤیاهای دوران کودکی	
۴ - بخت آزمایی والدین	۳۵
۵ - آسانسور در خانه ای یک طبقه	۴۳
۶ - رسیدن به حالت بی وزنی	۴۹
۷ - رکز به یک فوتبال حرفه ای راه نیافتم	۵۳
۸ - می توانی من را در حروف "و" پیدا کنی	۶۱
۹ - مجموعه ای از کتاب های مدیریت	۶۵
۱۰ - فتح بزرگ	۷۱
۱۱ - شادترین مکان روی زمین	۷۷
۱۲ - پارک تا ساعت هشت شب باز است	۸۳
۱۳ - مردی با اتومبیل کرک	۹۳
۱۴ - عموهلندی	۹۷
۱۵ - ریختن نوشابه روی صندلی شب اتومبیل	۱۰۱
۱۶ - ماجرای نامزدی من با آدمی نفوذناپذیر و رام نشدنی	۱۰۷
۱۷ - همه ی قصه های شاه پریان پایان خشن ندارند	۱۱۵
۱۸ - لوسی، من آدمم به خانه	۱۲۱
۱۹ - ماجرای سال نو	۱۲۵
۲۰ - قضیه ای که مدت پنجاه سال رو نشده بود	۱۳۳
۲۱ - جی	۱۳۷
۲۲ - گفتن حقیقت باعث نجاتم شد	۱۴۵
به حقیقت پیوستن رؤیاهای دیگران	
۲۳ - من در ماه غسل هستم، اما اگر به من نیاز دارید	۱۵۱
۲۴ - متحول شدن آدمی عوضی	۱۵۹
۲۵ - آموزش یک جدی	۱۶۷
۲۶ - آنها به عینه مرا تحت تأثیر قرار دادند	۱۷۳
۲۷ - سرزمین موعود	۱۸۱
همه چیز مربوط به این است که چطور زندگی کنید	
۲۸ - رؤیای بزرگ در سر پروراندن	۱۸۷

- ۲۹- صداقت بهتر از دانایی است ۱۹۱
- ۳۰- تن در دادن ۱۹۵
- ۳۱- بیا معامله ای بکنیم ۱۹۹
- ۳۲- گله نکنید، فقط به شدت تلاش کنید ۲۰۱
- ۳۳- بیماری را مداوا کن، نه نشانه های آن را ۲۰۵
- ۳۴- راجع به اینکه مردم چه فکری می کنند، ذهن خود را مشغول نکنید ۲۰۷
- ۳۵- از نشستن کنار هم شروع کنید ۲۰۹
- ۳۶- به دنبال بهترین نکات مثبت در هر فرد بگردید ۲۱۵
- ۳۷- به اعمال مردم توجه کنید، نه به حرف های آنان ۲۱۷
- ۳۸- اگر بار اول موفق نشدید ۲۱۹
- ۳۹- اولین پنگوئن باشید ۲۲۳
- ۴۰- توجه مردم را جلب کنید ۲۲۷
- ۴۱- هنر منسوخ یادداشت تشکرآمیز ۲۳۱
- ۴۲- داری دلبانه است ۲۳۵
- ۴۳- آه جا جمعه شب ۲۳۹
- ۴۴- ابرار فدا ۲۴۱
- ۴۵- یک بسته آب بات بی بفرستید ۲۴۳
- ۴۶- همیشه مجهز باشید ۲۴۵
- ۴۷- عذرخواهی ناجور بدتر از عذرخواهی نکردن است ۲۴۹
- ۴۸- حقیقت را بگویید ۲۵۳
- ۴۹- با جعبه ی مدادشمعی ها، خود را ایضا باشید ۲۵۵
- ۵۰- نمکدان و فلفل دان یکصد هزاری ۲۵۷
- ۵۱- هر شغلی شأن و منزلت خود را دارد ۲۶۱
- ۵۲- از موقعیت خود آگاه باشید ۲۶۵
- ۵۳- هرگز مایوس نشوید ۲۶۹
- ۵۴- پیرو مرام اشتراکی باشید ۲۷۵
- ۵۵- تنها کار لازم تقاضا کردن است ۲۷۹
- ۵۶- یک تصمیم بگیرید ۲۸۳
- ۵۷- روشی برای درک خوش بینی ۲۸۷
- ۵۸- درونداد دیگران ۲۹۱
- ۵۹- رؤیاهای من برای فرزندانم ۲۹۷
- ۶۰- من و جی ۳۰۷
- ۶۱- رؤیایها به سراغ شما می آیند ۳۱۵

تذکره:

من از لحاظ جسمانی روبه‌راه نیستم. با اینکه از نظر جسمانی نسبتاً خوبی برخوردار هستم، در کبدم ده‌گندم بود. در دو و چند ماهی بیشتر زنده نخواهم بود. من با زن رؤیاهایم از واج کردم. سه بچه‌ی کوچک دارم. بهانه‌ی خوبی دارم که براءم خریدم و آنها دلسوزی کنم، اما فایده‌ای ندارد.

خوب، چگونه این ایام محدود از عمر خود را سپری کنم؟ بدیهی است که بیشتر اوقاتم را به خانوادهم و رسیدگی به آنها اختصاص داده‌ام. تا جایی که بتوانم، از فرصت بودن در کنار آنها استفاده می‌کنم و کارهای تدارکاتی ضروری را که باعث می‌شود مسیر آنها در زندگی بدون من آسان و بی‌دردسر شود، انجام می‌دهم.

جنبه‌ی غیربدیهی‌تر، آموختن تمام آن چیزهایی است که بر عهده داشتم تا در عرض بیست سال آینده به آنها بیاموزم. مطرح

کردن چنین بحث‌هایی برای آنها خیلی زود است. همه‌ی پدران و مادران دلشان می‌خواهد به فرزندان خود بیاموزند که درست را از نادرست تشخیص دهند. طرز فکر و سیاست ما در قبال چالش‌های زندگی بسیار مهم است. درضمن دلمان می‌خواهد، «پنه»^۱ مطالبی را درباره‌ی زندگی ما یاد بگیرند تا از آن به عنوان شیوه‌ای، آموزشی در ادامه‌ی راه خودشان استفاده کنند. انگیزه‌ی کاری باعث شد تا من «آخرین سخنرانی‌ام» را در دانشگاه کاری‌خی‌ملی^۱ انجام دهم.

تمام سخنرانی‌های من به‌طور مرتب ضبط ویدیویی می‌شد. به‌خوبی می‌فهمیدم که امروز چه می‌کنم. در لوای سخنرانی آکادمیکی، سعی می‌کردم صدای را بر زبان بیاورم که در آینده برای فرزندانم مفید و راهگشا باشد. اگر من نقاش بودم، برایشان نقاشی می‌کشیدم. اگر موسیقیدان بودم، حتی برایشان قطعه‌ای موسیقی می‌ساختم. اما من سخنران هستم. من سخنرانی کردم. من در مورد شادی و لذت زندگی سخنرانی کردم و گفتم با اینکه مدت زیادی به پایان عمرم نمانده است، به شدت برای زندگی ارزش قائلم. من درباره‌ی صداقت، شرافت، قدردانی و هرآنچه برایم محترم است حرف زدم و خیلی تلاش کردم تا حوصله‌ی کسی را سر نبرم.

این کتاب برای من حکم مسیری را دارد که در آن به آنچه روی صحنه شروع کردم، ادامه می‌دهم چون زندگی انسان ارزشمند است و دلم می‌خواهد بقیه‌ی عمرم را در کنار فرزندانم سپری کنم. من از جفری زاسلو^۱ تقاضای کمک کردم. از آنجا که ورزش برای سلامتی بسیار اهمیت دارد، هر روز در اطراف خانه‌ی خودم دوچرخه‌سواری می‌کنم و در طی این دوچرخه سواری، جاه و سه دقیقه‌ای، با تلفن همراهم با جف حرف می‌زدیم. او سپس ساعات بسیار زیادی را برای تبدیل قصه‌ی من به کتابی که در دسترس شما دارید و می‌توانم آن را پناهگاه و سه سخنرانی بنامم، سپری کرد.

از همان آغاز هر دوی ما می‌دانستیم که هیچ‌کدام از این سخنرانی‌ها جای پدری در قید حیات را نمی‌گیرد. اما مهارت در مورد ارائه‌ی راه‌حل‌های عالی نیست، بلکه در این مورد است که فرد می‌تواند با منابعی محدود، بیشترین ناآرامی را بگذارد. سعی من این است که هم سخنرانی و هم این کتاب، دقیقاً چنین ویژگی و کیفیتی را داشته باشد.